

سخنان آقای سردار یوسف فروتن درباره خانم مرضیه حدیدچی (خواهر دباغ)

با چادر در تجمع کلیسای سن موری شبیه حضور حضرت زینب(س)

در اعتصاب غذای کلیسای سن موری، حضور یک زن با این شرایط، به نظر من شبیه حضور حضرت زینب (س) در صحرای کربلاست؛ یعنی تهییج کننده غیرت، شجاعت و خصلت مبارزه و ایثارگری همه برادران و خواهران. ایشان در آن شرایط در جمع ما با چادر، حضور پیدا کرده بود که به همین دلیل نمی توانستیم نه به اسم و نه به چهره، این بزرگوار را بشناسیم؛ چون بقیه خواهران همگی با پوشش مانتو و روسری حضور داشتند، ولی خانم دباغ به لحاظ رعایت اصول امنیتی، با پوشش خاصی حضور یافته بودند، به طوری که حتی با پیگیری های انجام شده، هیچ کدام از دوستان موفق نشده بودند مشخصات ایشان را کشف کنند. البته خود ما هم اصرار زیادی برای این کار نداشتیم، ولی به هر حال دوست داشتیم بدانیم کسی که به جمع ما پیوسته، چه کسی است تا به اصطلاح این توفیق را جزو نتیجه تأثیر فعالیت های سیاسی خودمان، ثبت و ضبط کنیم. خانم دباغ حتی حاضر نشده بودند خودشان را جزو دانشجویانی که در اروپا تحصیل می کردند و با مانتو و روسری در مراسم اعتصاب غذا شرکت کرده بودند، معرفی کنند.

مأموریت داشت با هماهنگی آقای لاهوتی نماینده امام در سپاه با همکاری تعدادی از برادران

برای تشکیل سپاه غرب کشور اقدام کند.

متوجه شدم که فرماندهی سپاه پاسداران همدان را به یک خانم سپرده اند که از پاریس آمده است. من آن زمان در روابط عمومی سپاه فعالیت می کردم. با پیگیری ای که کردم، متوجه شدم این خانم، همان خواهری است که

در پاریس با چادر، در اعتصاب غذا شرکت کرده بودند. پس از آشنایی بیشتر، فهمیدم نام اصلی ایشان، مرضیه حدیدچی معروف به خواهر دباغ است که اطلاعات رزمی و عملیاتی را در دوره هایی که در لبنان دیده، به دست آورده است. این بزرگوار، مأموریت داشت با هماهنگی آقای لاهوتی نماینده امام در سپاه با همکاری تعدادی از برادران برای تشکیل سپاه غرب کشور اقدام کند که در همین راستا، خودش هم فرماندهی سپاه همدان را بر عهده گرفته بود. یکی از موفق ترین تشکیلات سپاه شهرستانها، همین سپاه همدان بود. افراد این سپاه در هر سمیناری شرکت می کردند. خود خانم دباغ هم، فرد بسیار فعال و خستگی ناپذیری بود که برای خلیجها الگوی خوبی به شمار می رفت. حتی در تنظیم اساسنامه سپاه بسیار تلاش کرد و همه ما او را به عنوان فردی صاحب نظر، مطلع و کارآمد قبول داشتیم.

بر خلاف عادت ها و نگرش ها، درست انتخاب شده بود

در ابتدای امر، پذیرفتن این مسأله که خانمی فرمانده سپاه شود، کمی سنگین بود، ولی برادرانی که ایشان را می شناختند و در موردش اطلاعات کافی داشتند، می دانستند مسئولیت مهمی به فرد مهمی سپرده شده است. بعد ها فهمیدم ایشان دوره نظامی را به صورت تخصصی در لبنان گذارنده است. از طرفی هم این انتخاب، تأثیر بسیار بسزایی در نقش سازندگی زنان در کشور داشت. این زن هم چادر داشت و هم هفت تیر، هم مادر بود و هم همسر، ولی هیچ یک از اینها برایش پایبندی ای ایجاد نمی کرد تا از هدف اصلی اش باز بماند. همچنان مبارزه می کرد. این زن یکی از هنجارشکنان بود.